

عنوان مقاله:

بررسی رابطه وضعیت اجتماعی خانواده متغیرهای فردی با میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

محل انتشار:

ششمین همایش بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسندگان:

فرزانه شجاعی - کارشناسی علوم تربیتی

مریم حجتی مزرعه آخوند - کارشناسی مشاوره

خلاصه مقاله:

مقاله حاضر از نوع توصیفی است که با توجه به منابع کتابخانه ای و گردآوری نظرات صاحب نظران به رشته تحریر در آمده است. هدف از نگارش این مقاله بررسی رابطه وضعیت اجتماعی خانواده و متغیرهای فردی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را نشان می دهد. پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یکی از مهم ترین اهداف آموزش و پرورش است. عوامل مختلفی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تاثیر می گذارند، از جمله وضعیت اجتماعی خانواده و متغیرهای فردی. وضعیت اجتماعی خانواده به مجموعه ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی خانواده اشاره دارد که می تواند بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تاثیر بگذارد. بر تمام افراد جامعه بخصوص آنان که به نوعی با آموزش و پرورش در ارتباطند لازم است به هر نحو که می توانند راهی را برای بهتر کردن وضع تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش بخصوص در مقطع ابتدایی و رفع کمبودها و اشکالات آموزشی پیدا نموده و علل و عواملی که در پیشرفت تحصیلی نسل های آینده و حال موثرند را بررسی و کشف نمایند. بیش از ۸۰٪ شخصیت کودکان و نوجوانان در متن خانواده، در کنار پدر و مادر شکل می گیرد و خانواده بعنوان اولین پایگاه تعلیم و تربیت و نخستین مدرسه کودکان می باشد و در مورد پیشرفت تحصیلی فرزندان و آینده سازان نقش اساسی را دارند، لازم است در این باره علل کمبود و نقایص برخورد اولیا پیگیری و در جهت پیشرفت تحصیلی فرزندان بکار گرفته شود. به طور خلاصه، نقش والدین در یادگیری دانش آموزان در سال های شکل گیری فرزندشان، گذاشتن تاثیر مثبت و ماندگار، همراه با مهارت ها و درس های ارزشمند زندگی است که به رشد و تصمیم گیری کودک در بزرگسالی کمک می کند. والدین باید به امور روزمره کودک علاقه داشته باشند و آنها را تشویق کنند تا در مدرسه بهتر عمل کنند. ویژگی ها و کیفیت های هر کدام از این عناصر در شکل گیری رفتارهای مختلف موثر می باشند. فیلسوف ژان پیازه، بر توانایی کودک در درک جهان به طور فعال تاکید بسیار می کند و معتقد است که کودکان به طور انفعالی اطلاعات را جذب نمی کنند، بلکه آنچه را که در دنیای پیرامون خود می بینند، می شنوند و احساس می کنند، سپس انتخاب و تفسیر می نمایند. معماری، هنری است که ما را در بر گرفته است و انسان ها بیش از آنکه بر فضا تاثیر بگذارند، از آن تاثیر می پذیرند. آموزش و به تبع آن محیط های آموزشی بیشترین اثر و نقش را بر ذهنیت و تمدن سازی جوامع به عهده دارند. لازمه اصلاح کالبد آموزش و پرورش، ایجاد فضاهای مرتبط با فعالیت دانش آموزان است؛ فضاهایی که دارای شرایط مناسب و مطلوب برای رشد فیزیکی ذهنی، عاطفی و اجتماعی کودکان می باشد که تحقق این امر از طریق طراحی جزییات فضاها با توجه به الگوهای رفتاری کودکان امکان پذیر می گردد.

کلمات کلیدی:

یادگیری، دانش آموز، معلم، خانواده

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2014712>

